

فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹
صص ۵۳-۴۳

بررسی عوامل موثر بر وضعیت خلاقیت در دانشگاه از دیدگاه اساتید و دانشجویان علیرضا پیرخانی^۱، علی محمد زاده^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل موثر بر وضعیت خلاقیت در دانشگاه از دیدگاه اساتید و دانشجویان انجام گردید. نمونه پژوهش شامل ۵۰۴ نفر از اساتید و دانشجویان (از تمامی رشته های تحصیلی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار بود که با روش نمونه گیری طبقه ای و بصورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار تحقیق شامل دو پرسشنامه (عوامل موثر بر خلاقیت) بود که از نظر شاخص های روان سنجی مورد تأیید قرار گرفتند. برای تحلیل داده ها از آزمون خی دو و فریدمن استفاده گردید. نتایج نشان داد که از دیدگاه اساتید و دانشجویان عامل اجتماعی-آموزشی، انگیزشی و مدیریتی بیشترین تأثیر معنی دار را بر وضعیت خلاقیت در دانشگاه دارند. همچنین اساتید و دانشجویان خود را خلاق دانسته و اساتید نگرش مثبت تر و معنی داری نسبت به دانشجویان داشتند.

کلید واژه ها: خلاقیت، عضو هیات علمی، دانشجو، دانشگاه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

alireza_pirkhaefi@yahoo.com

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

۲- استادیار دانشگاه پیام نور واحد سراب

مقدمه

کمیته ملی مشورت درباره تعلیم و تربیت فرهنگی و خلاق^۱ در سال ۱۹۹۸ خلاقیت^۲ را حالتی از ذهن دانسته که به تمام کارهای هوشمندانه انسان وحدت می‌بخشد. در این تعریف خلاقیت فعالیتی تخیلی فرض شده که منتهی به نتایج ابتکاری و ارزشمند می‌گردد. باین که این تعریف خلاقیت را در قلمرو هنر محصور نکرده، اما هنوز تصور براین است که هنر تنها موضوعی است که واجد خلاقیت است. علیرغم این نگاه هم اکنون باور صاحب‌نظران بر این است که خلاقیت را نباید در محدوده یک دانش بشری محصور کرد و آنرا باید دارای دامنه‌ای فراگیر از مدرسه تا زندگی روزمره دانست. براین اساس، ریهامر و برولین^۳ (۱۹۹۹) خلاقیت را جنبه‌ای خالص از یادگیری و رشد در انسان دانسته‌اند که در تعامل با جامعه سیر تکاملی را طی می‌کند. کرافت^۴ (۲۰۰۱) به نقل از رابینسون^۴ (۱۹۹۹) معتقد است خلاقیت از پنج مفهوم تشکیل شده است؛^۱ تخیل (۲) روش و اسلوب (۳) جستجوگری هدفمندانه (۴) ابتکار (۵) و ارزشمندی.

ریهامر و برولین (۱۹۹۹) در نگاهی تحلیلی به این موضوع معتقدند که خلاقیت از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۹ سه روند عمده را پشت سر گذاشته است. جریان اول به مطالعه شخصیت^۵ مربوط است. آنان معتقدند که تحقیقات خلاقیت در سالهای ۱۹۵۰ عمده‌تا مبتنی بر شخصیت افراد خلاق بوده است. طی این مدت بررسی ویژگی‌ها و صفات شخصیتی افراد خلاق موضوع اکثر پژوهش‌های خلاقیت گردید. جریان دوم به مطالعه شناخت^۶ مربوط است. در جریان دوم مطالعه درباره ویژگی‌های اداری، فکری و هوشمندانه افراد خلاق موضوعیت پیدا کرد. با این حال یکی از تحولات عمده‌ای که در این مرحله پدید آمد تغییر یافتن رویکرد روان‌سنجی خلاقیت نظیر آنچه تورنس^۷ در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مطرح کرده بود به سوی تحقیقاتی است که منجر به آگاهی از ذهن خلاق بر حسب توانایی‌های هوشمندانه و شناختی شد و در جریان سوم به آموزش^۸ و تحریک خلاقیت بطور جدی

^۱ National advisory committee on creative and cultural education (NACCCE)

^۲ creativity

^۳ Ryhammar and Borlin

^۴ Ken robinsons

^۵ Personality

^۶ Cognition

^۷ Torrance

^۸ Instruction

پرداخته شد. تحقیقات انجام شده طی سال‌های (۱۹۸۰) و (۱۹۹۰) پای در دیدگاه روانشناسی اجتماعی خلاقیت دارد. آمابیلی^۱ (۱۹۸۳) مبدع این دیدگاه و یکی از صاحب‌نظران این حوزه معتقد است که خلاقیت با ساختارهای اجتماعی ارتباط قوی دارد. این نگاه موجب گردید تا در فرایند جهانی‌سازی خلاقیت نقش ویژه‌ای برای سازمان‌ها و رفتارهای فرهنگی آنان در نظر گرفته شود. پرللتسکی^۲ (۲۰۰۶) و دولان و متکالفه^۳ (۲۰۰۸) در همین ارتباط معتقدند این رویداد باعث گردید تا خلاقیت در سازمان‌ها جای باز کند و نه فقط منجر به افزایش سود، تولید و تجارت شود بلکه سطح تعهد کارکنان نیز ارتقاء دهد. در واقع پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی خلاقیت سازمان‌های مدرن را وادار نمود تا به سوی رشد و ترغیب خلاقیت و ایجاد فرهنگ سازمانی متناسب با خلاقیت حرکت کنند. همپای با این جریان اجتماعی خلاقیت، نظام‌های آموزش عالی در اکثر کشورهای جهان نیز بعنوان سازمان‌های اثرگذار حرکت کردند و تا حدی جلو رفتند که نقش و اهمیت تولید دانش (خلاقیت علمی^۴) را بعنوان نقش و کارکردی متمایز برای خود پذیرفتند. در نظام‌های نوین آموزش عالی سه مقوله تولید دانش (خلاقیت علمی)، انتقال دانش (آموزش) و اشاعه و نشر دانش (فناوری) بعنوان مهمترین کارکردهای دانشگاه تعریف شده است.

تحلیل این حرکت در کشور تا حد زیادی مبهم و چالش برانگیز است. بنابراین برای اینکه از جایگاه این موضوع در نظام آموزش عالی ایران آگاهی یابیم، ارائه تحلیلی کوتاه بر روند تاسیس مراکز آموزش عالی ضروری می‌نماید. در ایران سال تاسیس دارالفنون (۱۲۲۸) را آغاز رسمی نظام نوین آموزش عالی دانسته‌اند، با این حال با تاسیس دارالمعلمین عالی بود که دانشگاه به معنای واقعی خود شکل گرفت. بر اساس این سیر نیز دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و با تصویب مجلس شورای ملی متولد شد (گزارش آموزش عالی، ۱۳۸۰).

با این حال اجتهادی (۱۳۷۷) معتقد است که با شکل‌گیری دانشگاه تهران و سپس سایر مراکز آموزش عالی در ایران عملاً فقط به مقوله دوم از کارکردهای آموزش عالی یعنی انتقال دانش (آموزش) توجه شد و دو مقوله دیگر یعنی تولید دانش (خلاقیت علمی) و اشاعه و نشر دانش

¹ Amabile

² prilletensky

³ Dolan and Metcalfe

⁴Scientific of creativity

(فناوری) به فراموشی سپرده شد. او تاکید می‌کند که نظام‌های آموزش عالی ایران بدلیل تاکید بر حفظ یافته‌ها و فقدان تحریک و انگیزش و نیز عدم احساس نیاز به پیشرفت عملا به سیستمی آسیب‌زا برای خلاقیت، ابداع و نوآوری علمی برای اساتید و دانشجویان تبدیل شده است. مکنون (۱۳۷۹) نیز در شکلی دیگر معتقد است که خلق دانش را باید یکی از شاخص‌های توسعه دانست. بنابراین اگر کشوری دارای مراکز خلق و آفرینش علم نباشد یکی از حلقه‌های اصلی توسعه را ندارد. توکل (۱۳۷۷) هم معتقد است که تحلیل وضعیت آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که در حال حاضر ما در ردیف تولیدکنندگان علم قرار نداشته و بر عکس در ردیف واردکنندگان علم و فناوری هستیم. او در این زمینه نشان داده که شاخص‌های درآمد ناخالص ملی، تعداد محققان، تعداد مقالات و مجلات با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. در واقع تحلیل مراکز آموزش عالی نشان می‌دهد که ما با سطح مطلوب از خلاقیت علمی فاصله زیادی داریم. بررسی شواهد پژوهشی زیر نیز این نگاه را تأیید می‌کند.

در این راستا، مطالعه زارع (۱۳۶۸) درباره رشد کیفیت علمی اعضاء هیات علمی نشان داده که استقلال افراد، خودباوری، تسهیلات اداری و مالی و حذف تشریفات اداری بر ازدیاد تولیدات و خلاقیت‌های علمی نقش موثر دارند. پایان (۱۳۷۴) نیز در تحقیقی که درباره میزان مشارکت اعضای هیات علمی در تصمیم‌گیری‌ها در دانشگاه‌های صنعتی شهر تهران انجام داده تاکید کرده که اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها به علت داشتن دانش و بلوغ فکری از پذیرش اجتماعی سطح بالایی در بین مردم برخوردار بوده بنابراین چنانچه در نظام برنامه‌ریزی مشارکت داده شوند فرصتی خوبی برای تعهد و خلاقیت ورزی در اختیار آنان قرار می‌گیرد. پژوهش صحرائی (۱۳۷۶) و ملک محمدی (۱۳۷۸) نیز با یک نمونه ۳۰۰ نفری از اندیشمندان و محققین درباره توسعه علمی ایران به نقش مدیریت علمی، جایگاه اجتماعی نخبگان، برنامه‌ریزی علمی، اعتبارات و رقابت علمی در افت و خیز خلاقیت علمی اشاره دارد.

بررسی نشریه نوآوران (۱۳۶۸) و امیرافشاری (۱۳۷۹) هم درباره ۱۰۶ مرکز و موسسه پژوهشی نشان داده که ۶۱ درصد مشکلات مربوط به تولید و خلق دانش در کشور به سازمان‌ها و مدیریت‌ها مربوط است و در این میان سهم پژوهشگران در این میان تنها ۳ درصد است. آنان در این زمینه بر تاثیر سیاست‌های کلان علمی و حمایتی، تعهدات اداری، اعتبارات و تجهیزات علمی و آزمایشگاهی،

انگیزش هیات علمی و نشریات علمی خارجی درافت و خیز خلاقیت های علمی و پژوهشی تاکید کرده اند. در تحقیق پرتوی (۱۳۷۸) و ساکی (۱۳۸۰) نیز که با استفاده از یک مطالعه میدانی بر روی معاونین دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی انجام شده به تاثیرات مدیریت به عنوان عوامل رشد دهنده یا کاهنده علم و تحقیق تاکید شده است. تحقیقات بعدی این محققین نشان داده که مدیران و رهبران آموزشی نقش قابل توجه در اجرای نوآوری آموزشی دارند. پژوهش زکی (۱۳۸۰) نیز درباره تاثیر عوامل شخصیتی، اجتماعی و سازمانی بر نوآوری نشان داده که نقش عوامل شخصیتی بر خلاقیت ورزی و نوآوری بیش از عوامل اجتماعی و سازمانی بوده است.

باتوجه به آنچه مطرح شد پژوهشگران علاقمند بودند تا بدانند علیرغم گذشت سالها از این پژوهش ها آیا دیدگاه اساتید و دانشجویان درباره عوامل موثر بر خلاقیت در دانشگاه دستخوش تغییر شده و در این میان چه عواملی همچنان وضوح بیشتری دارند. برپایه این نگاه سئوالات پژوهش عبارت بودند از:

- ۱- عوامل موثر بر وضعیت خلاقیت در دانشگاه کدامند؟
- ۲- عوامل موثر بر خلاقیت از چه رتبه ای برخوردارند؟
- ۳- آیا در باور به خلاق بودن بین اساتید و دانشجویان تفاوتی وجود دارد؟

روش

این پژوهش بصورت توصیفی و در قالب یک طرح زمینه یابی (نگرش سنجی) اجرا گردید. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان و اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار بود که در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ به تحصیل یا تدریس اشتغال داشتند. حجم نمونه با استفاده از واریانس نظری تعیین گردید. در بخش دانشجویی نمونه پژوهش شامل (۴۷۴) از دانشجویان دختر و پسر بود که با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی انتخاب گردیدند. در بخش اساتید نیز ۳۰ نفر از اعضاء هیأت علمی تمام وقت و مدعو در گروه های مختلف تحصیلی انتخاب شدند. با مرور منابع پژوهش ها و نظریات مربوط به خلاقیت، ۵ عامل مدیریتی، انگیزشی، شخصیتی، آموزشی و اجتماعی موثر بر خلاقیت شناسایی و فهرست بندی گردید. سپس براساس این عوامل دو پرسشنامه اولیه پژوهش طراحی گردید. به هدف اطمینان از اعتبار محتوا پرسشنامه ها هر دو مورد به رؤیت صاحب نظران رسانیده و پس از دریافت نظریات و نکات اصلاحی آنان پرسشنامه های نهایی پژوهش که به

شناسایی عوامل موثر بر خلاقیت می پرداخت ساخته شد. پرسشنامه نهایی دانشجویان شامل ۳۳ سؤال برای عوامل مدیریتی، انگیزشی و شخصیتی و آموزشی و پرسشنامه اساتید شامل ۲۹ سؤال برای عوامل مدیریتی، انگیزشی، شخصیتی و اجتماعی بود. پس از اطمینان از اعتبار صوری پرسشنامه‌ها، همسانی درونی هر دو پرسشنامه‌ها نیز محاسبه گردید. همسانی درونی در پرسشنامه دانشجویان با استفاده از آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۹ صدم و در پرسشنامه اساتید نیز معادل ۰/۹۹ صدم بدست آمد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از جداول توافقی (خی دو) و آزمون فریدمن استفاده گردید.

یافته‌ها

نتایج این پژوهش در قالب ۵ جدول که به معرفی دیدگاه‌های اساتید و دانشجویان درباره عوامل موثر بر وضعیت خلاقیت در دانشگاه و رتبه آنها می پردازد تنظیم شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخهای اساتید به عوامل موثر بر خلاقیت

معنی داری	خی دو	عوامل				اساتید
		جمع	اجتماعی	انگیزشی	مدیریتی	
0/001	70/36	78	25	25	28	موافق
		12	5	5	2	مخالف
		۹۰	30	۳۰	30	جمع کل

تحلیل جدول شماره ۱ نشان می دهد که خی دو بدست آمده (۷۰/۳۶) بزرگتر از مقدار بحرانی جدول (۱۳/۸۲) بوده، بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین دیدگاه‌های اساتید درباره عوامل موثر بر خلاقیت تفاوت معنی داری وجود دارد و از دیدگاه اساتید به ترتیب عامل اجتماعی، انگیزشی و مدیریتی تاثیر مهمی بر وضعیت خلاقیت در دانشگاه دارند.

جدول ۲. توزیع درجه بندی عوامل موثر بر خلاقیت بر اساس آزمون فریدمن

عوامل	حاصل جمعی	رتبه بندی	میانگین	مجذور کای	درجه آزادی	معنی داری
اجتماعی	۸۸	۴۵۶	۲/۹۳			
انگیزشی	۸۳	۴۵۶	۲/۷۶	۲۱۲۶۲	۲	۰/۰۰۱
مدیریتی	۸۰	۴۵۶	۲/۶۶			

تحلیل جدول شماره ۲ نشان می دهد که ارزش مشاهده شده (مجذور کای = ۲۱۲۶۲) بزرگتر از (ارزش بحرانی = ۱۳/۸۲) است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می توان نتیجه گرفت که رجحان عوامل

توسط اساتید واقعی است. در این راستا، رتبه اول از عوامل را عامل اجتماعی، رتبه دوم را عامل انگیزشی و رتبه سوم را عامل مدیریتی تشکیل می‌دهد.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخ‌های دانشجویان به عوامل موثر بر خلاقیت

عوامل	جمع			خی دو	معنی داری
	آموزشی	انگیزشی	مدیریتی		
موافق	۳۷۴	۳۲۲	۳۰۹	۱۴/۱	0/001
مخالف	۱۰۰	۱۵۲	۱۶۵		
جمع کل	۴۷۴	۴۷۴	۴۷۴		

تحلیل جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که خی دو بدست آمده (۱۴/۱) بزرگتر از مقدار بحرانی جدول (۱۳/۸۲) بوده، بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین دیدگاه‌های دانشجویان درباره عوامل موثر بر خلاقیت تفاوت معنی داری وجود دارد و از دیدگاه دانشجویان به ترتیب عامل آموزشی، انگیزشی و مدیریتی تاثیر مهمی بر وضعیت خلاقیت در دانشگاه دارند.

جدول شماره ۴. توزیع درجه بندی عوامل موثر بر خلاقیت بر اساس آزمون فریدمن

عوامل	حاصل جمعی	حاصل رتبه بندی	میانگین	مجذور کای	درجه آزادی	معنی داری
آموزشی	۱۳۴۴	۳۸۰۰۰	۳/۵۹	۵۷۶۱۵۹۰	۲	۰/۰۰۱
انگیزشی	۱۱۷۰	۳۲۰۰۰	۳/۱۲			
مدیریتی	۸۰۰	۱۶۳۰۰	۲/۱۳			

تحلیل جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ارزش مشاهده شده (مجذور کای = ۵۷۶۱۵۹۰) بزرگتر از (ارزش بحرانی = ۱۳/۸۲) است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که رجحان عوامل توسط دانشجویان واقعی است. در این راستا، رتبه اول از عوامل را عامل آموزشی، رتبه دوم را عامل انگیزشی و رتبه سوم را عامل مدیریتی تشکیل می‌دهد.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی پاسخ‌های اساتید و دانشجویان درباره باور به خلاق بودن

دیدگاهها	جمع		خی دو	معنی داری
	اساتید	دانشجویان		
موافق	۲۶	۲۹۲	۷/۷	0/01
مخالف	۴	۱۸۲		
جمع کل	۳۰	۴۷۴		

تحلیل جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که خبی دو بدست آمده (۷/۷) بزرگتر از مقدار بحرانی جدول (۶/۶۳) بوده، بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین دیدگاه‌های اساتید و دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد و هر دو گروه باور واقعی به خلاق بودن خود دارند. با این حال باور اساتید به خلاق بودن بیش از دانشجویان است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش با مبانی نظری و پژوهشی موجود هماهنگ بوده و نشان داد که کارکرد تولید دانش (خلاقیت علمی) در دانشگاه با عوامل اجتماعی، آموزشی، انگیزشی و مدیریتی ارتباط دارد. در این پژوهش سه سؤال مورد بررسی قرار گرفت.

سؤال نخست این بود که عوامل موثر بر وضعیت خلاقیت در دانشگاه از دیدگاه اساتید و دانشجویان کدامند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که از دیدگاه اساتید و دانشجویان خلاقیت ورزی در دانشگاه از مجموعه‌ای از عوامل تاثیر می‌پذیرد. در این راستا، از بین عوامل گوناگون مدیریتی، آموزشی، انگیزشی، اجتماعی و شخصیتی مرتبط با خلاقیت نقش عوامل اجتماعی، آموزشی و انگیزشی در دانشگاه برجسته‌تر از بقیه است. این موضوع بیانگر واقعیت‌های موجود درباره خلاقیت است. زیرا پرورش خلاقیت در هر محیطی وابسته به نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی مثبت نسبت به آن، آموزش اصول و مهارت‌های خلاقیت‌ورزی و وجود آوردن بسترهای انگیزشی برای حرکت و پویایی آن است. این بخش از یافته‌ها با پژوهش‌های آمابیلی (۱۹۸۳)، پرلتنسکی (۲۰۰۶) و دولان (۲۰۰۸) هماهنگ است که معتقدند اکثر سازمان‌های مدرن (آموزشی و غیرآموزشی) برای رشد و ترغیب خلاقیت سعی در ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب برای خلاقیت دارند. از طرف دیگر یافته‌ها با پژوهش‌های نشریه نوآوران (۱۳۶۸)، زارع (۱۳۶۸)، پاپیان (۱۳۷۴)، صحرائی (۱۳۷۶)، ملک محمدی (۱۳۷۸)، پرتوی (۱۳۷۸)، امیرافشاری (۱۳۷۹) و ساکی (۱۳۸۰) هماهنگ است که معتقدند ارتقاء خلاقیت علمی در مراکز دانشگاهی و پژوهشی نیازمند به ساختارهای مدیریتی و مشوق‌های سازمانی است. و نهایتاً یافته‌ها با پژوهش زکی (۱۳۸۰) هماهنگ است که بر نقش شخصیت در خلاقیت‌ورزی تاکید کرده است.

سؤال دوم این بود که عوامل موثر بر وضعیت خلاقیت در دانشگاه از دیدگاه اساتید و دانشجویان از چه رتبه‌ای برخوردارند. تحلیل پاسخ‌های مربوط به اساتید و دانشجویان نشان داد که

رجحان عوامل توسط آنان واقعی بوده و رتبه اول را عامل اجتماعی- آموزشی، رتبه دوم را عامل انگیزشی و رتبه سوم را عامل مدیریتی تشکیل می‌دهد. عامل اجتماعی در این راستا عمدتاً معطوف به عدم درخواست‌های برون سازمانی از دانشگاه برای بروز خلاقیت و نوآوری، ضعف روحیه و فرهنگ خلاقیت ورزی در دانشگاه و مشغله‌های گوناگون اساتید و دانشجویان بوده و عامل آموزشی به عدم تناسب بین نظام واحدی دانشگاه با سطح و توان علمی دانشجویان، استفاده از روش‌های آموزش سنتی، بهره نبردن از روش‌های یادگیری خلاق و فناوری‌های نوین آموزشی، نظام آموزشی حافظه‌مدار، کم مهارتی اساتید در ایجاد رغبت علمی و خلاقیت کلاسی و یکنواختی و به روز نبودن متون درسی اشاره داشت. عامل انگیزشی به عدم وجود رقابت‌های خلاق و علمی بین گروه‌های آموزشی، فقدان مراسم‌های خاص برای معرفی اساتید و دانشجویان خلاق، اعطا نشدن جوایز علمی ویژه، بی‌رغبتی نسبت به ایده‌های خلاق اساتید و دانشجویان، بی‌توجهی به روحیه خلاق در کلاس‌های درسی، کمبود تجهیزات/ منابع علمی روز و نبودن برنامه پرورش خلاقیت در نظام‌های درسی اشاره داشت. عامل مدیریتی نیز عمدتاً به کمبود سازمانهایی برای شناسایی و شکار اندیشه‌های خلاق اساتید و دانشجویان، ضعف در اطلاع‌رسانی درباره مقررات یا آئین‌نامه‌های حمایتی برای خلاقیت‌ورزی، کم‌توجهی به اساتید و دانشجویان خلاق، کم‌توجهی به الگوهای تغییر و نوآوری در گروه‌های آموزشی و ساختار نامنعطف و غیرپویای دانشگاه اشاره داشت. این بخش از یافته‌ها با دیدگاه آمابیلی (۱۹۸۳)، ریهامر و برولین (۱۹۹۹) و متکالفه (۲۰۰۸) و پژوهش‌های زارع (۱۳۶۸)، نشریه نوآوران (۱۳۶۸)، پرتوی (۱۳۷۸)، امیرافشاری (۱۳۷۹) و ساکی (۱۳۸۰) که معتقدند تعامل با جامعه، مدیریت و برنامه‌های علمی، اعتبارات، رقابت‌های علمی و رفتار کلاسی اساتید نقش مهمی در تسهیل یا بازداري خلاقیت در دانشگاه‌ها دارند هماهنگ است.

سؤال سوم این بود که بین باور به خلاق بودن اساتید و دانشجویان تفاوتی وجود دارد. تحلیل پاسخ‌های مربوطه نشان داد که بین دیدگاه‌های اساتید و دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد و هر دو گروه باور واقعی به خلاق بودن خود دارند. با این حال اساتید نگرش مثبت‌تری نسبت دانشجویان در خلاق بودن و آمادگی برای خلاقیت‌ورزی داشتند. این بخش از یافته‌ها نیز با دیدگاه ریهامر و برولین (۱۹۹۹) و کن رایبسون (۱۹۹۹) که معتقد است خلاقیت‌بخش اصلی رشد و یادگیری

انسان از مدرسه گرفته تا زندگی است و نیز پژوهش زکی (۱۳۸۰) که نقش شخصیت را در خلاقیت ورزی علمی مهم یافته بود هماهنگ می‌باشد.

یافته‌های این پژوهش در مجموع نشان داد که فضای خلاقیت و نوآوری در دانشگاه علیرغم گذشت بیش از یک دهه از پژوهش‌های پیشین همچنان مشابه شرایط قبل است. در این راستا از تاثیرگذاری یک مجموعه از عوامل موثر بر خلاقیت در دانشگاه سخن به میان آمد که نیازمند به بازنگری، اصلاح و تغییر و شاید بازتعریف مجدد باشد. خوشبختانه حس مفید و موثر بودن هنوز در بین گروه اساتید و دانشجویان وجود داشته و آنان هنوز خود را خلاق احساس می‌کنند. شاید پیام واقعی پژوهش کنونی این باشد که سرمایه‌های انسانی و فرهیخته دانشگاه را باید بیش از پیش مورد توجه قرار داد و راه خلاقیت‌ورزی و نوآوری آنان را با تدبیر مناسب بوجود آورد.

منابع

- اجتهادی، مصطفی. (۱۳۷۷). تحلیلی بر توانمندی‌ها و کاستی‌های نظام آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، سال ششم، شماره ۱۷
- امیر افشاری، مهدی (۱۳۷۹). تجزیه و تحلیل مشکلات مراکز تحقیقاتی کشور، **نمای پژوهش نشریه معاونت دانشگاه آزاد اسلامی**، شماره ۸
- پرتوی، پروین (۱۳۷۸). فرایند حفظ و رشد نیروهای تحقیقاتی در سطوح ملی - سازمانی، **خلاصه مقالات اولین کنفرانس علمی بررسی مسائل پژوهشی کشور**
- پایان، ناهید (۱۳۷۴). بررسی میزان مشارکت اعضاء هیأت علمی در تصمیم‌گیری مدیران دانشگاه‌های صنعتی شهر تهران، **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، شماره ۱۰
- توکل، محمد (۱۳۷۷). وضعیت آموزش عالی ایران، **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، شماره ۱۸
- زراع، مهدی (۱۳۶۸). **بررسی عوامل مؤثر در رشد کیفیت علمی اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها از نظر هیأت علمی دانشگاه‌ها**، پایان نامه، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- زکی، محمد علی (۱۳۸۰). بررسی نقش عوامل شخصیتی سازمان و اجتماعی در نوآوری مدیران آموزشی، **فصلنامه علمی و پژوهشی ره یافت**، شماره ۲۶
- ساکي، رضا (۱۳۸۰). تغییر و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزش، **فصلنامه علمی و پژوهشی ره یافت**، شماره ۲۶

صحرائی، فریبا (۱۳۷۶). **توسعه علمی ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روزنامه نگاری، دانشگاه تهران

ملک محمدی، ایرج (۱۳۷۸). بررسی نقش عوامل مشوق و بازدارنده در جذب هیأت علمی

کشاورزی، خلاصه مقالات اولین کنفرانس علمی بررسی مسائل پژوهش کشور

مکنون، رضا (۱۳۷۹). مصاحبه با دبیر شورای پژوهش های علمی کشور، **نمای پژوهش نشریه معاونت**

پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی شماره ۱۰

مجله نوآوران (۱۳۶۸) صاحبان خلاقیت در برابر ناملایمات اجتماعی. شماره ۳۶ تیرماه

- (۱۳۸۰). **گزارش ملی آموزش عالی ایران**، وزارت علوم تحقیقات و فن آوری، موسسه پژوهش

و برنامه ریزی در آموزش عالی

Amabile M (1983). **The social psychology of creativity**. New York

Craft.A(2001).**An analysis of research and literature on creativity in education**. march

Dolan.P and Metcalfe.R (2008). **The relationship between innovation and wellbeing**. Imperial college London. 12 September

Prilleltensky.I and prilleltensky.O (2006). **Promting wellbeing**. John Wiley and Sons Inc

Ryhammar.A and Brolin.F(1999).CreativityResearch.historical consideration and main lines of development.Scandinavian. **Journal of education research** 43(3)

Torrance.E.P(1969).Creativity.**what research says to the teacher**,series no 28,national education association, washington

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی